

پرسیدن عیب نیست گوگل نکردن عیب است!

می‌خواست هرچه زودتر جوابش تمام شود. امروزه بشر به مدد توانایی‌هایش انباری از دانش فراهم آورده است که هر کس به مقتضای نیازش، با چند کلیدواژه، سؤال خود را مطرح می‌کند و جوابش را به اشکال گوناگون می‌یابد. در حال حاضر یافتن اطلاعات و دانش بیش از پیش میسر و آسان شده است. از این فراتر برویم. عرصه‌های یادگیری نیز به صور گوناگون در اختیار هستند و هرچه که مانع آن بود، از قبیل جنسیت، طبقه، نژاد و رنگ از سر راه آن برداشته شده است یا در اغلب نقاط جهان دیگر با آن‌ها مواجه نیستیم. یکی از آخرین موانعی که موجود بود، مشکل مکان و زمان بود که اینک به مدد اینترنت و فضای مجازی آن هم در حال محو شدن است. گویی یادگیری برای مشتاقان آن بسی آسان‌تر از گذشته شده است.

اخیراً از پسر یکی از آشنایان که در حال شنا کردن با مهارت و زبردستی تمام بود، پرسیدم: شنا را کجا یاد گرفتی؟ گفت: «در گوگل جست‌وجو کردم و فیلم‌هایی را که مربوط به شنای قورباغه بود، دیدم و یاد گرفتم.» گویی امروزه مشتریان عرصه یادگیری الکترونیکی فراوان‌تر از عرصه یادگیری حضوری هستند. حتی آن‌ها که به صورت حضوری آموزش می‌دهند، از امکانات قلمرو یادگیری الکترونیکی به ناگزیر بهره‌مند می‌شوند و قابلیت‌های تدریس خود را افزایش می‌دهند. در شماره پیشین به معرفی وبلاگ‌هایی پرداختیم که اینک در سراسر ایران، معلمان از طریق آن‌ها هر مخاطبی را از دانش خود بهره‌مند می‌کنند. در این شماره نیز به مقوله یادگیری الکترونیکی پرداخته‌ایم؛ عرصه‌ای که مشتریان بی‌شمارند و وسعتی به مراتب بیشتر از فضای مدرسه، آموزشگاه و دانشگاه دارد.

پی‌نوشت

۱. عنوان این سرمقاله از یادداشتی در وبلاگ «یک پزشک» اخذ شده است.

در نخستین ترمی که در دانشگاه «مالایا» (یوام) مشغول تدریس شدم، درسی را با عنوان کاربرد فناوری در برنامه‌داری تدریس می‌کردم. در میان دانشجویانم، دانشجویی بسیار دانا و باهوش بود که هر سؤالی را با فاصله‌ای اندک پاسخ می‌داد. یک بار که با کمی درنگ جواب داد، از او پرسیدم: «چه می‌کنی؟ گفت: «I am googling».

آنجا بود که برای نخستین بار با واژه «گوگل کردن» آشنا شدم؛ واژه جدیدی که در فرهنگ انگلیسی زبان‌ها، به دلیل تماس مداومی که با گوگل دارند، دیگر واژه‌ای شناخته شده محسوب می‌شود. هیچ موتور جست‌وجویی نتوانسته است تاکنون از این نظر با گوگل رقابت کند و گوگل بی‌رقیب است.

در ترم دوم در کلاسی بحث می‌کردیم و دانشجویی به عنوان اداره‌کننده بحث مسئله‌ای را مطرح می‌کرد. من که در آخر کلاس در حال گوش دادن به بحث بودم، دیدم که به محض پرسیدن او، دانشجویان در گوگل جست‌وجو کردند و بلافاصله وارد بحث شدند. گویی که گوگل مخزن دانش و اطلاعات است و می‌شود جواب هر سؤالی را بدون شرم و حیا از آن پرسید. البته اغراق هم نیست اگر چنین تصور کنیم. در گذشته از آغاز مدرسه به ما می‌گفتند که اگر چیزی را نمی‌دانید، خجالت نکشید و حتماً از کسی بپرسید. گاهی ما از این کار پرهیز می‌کردیم؛ چون کسی را نمی‌یافتیم یا خجالت می‌کشیدیم از کسی سؤال کنیم و یا پاسخ‌دهنده ما را از سؤال کردن پشیمان می‌کرد.

هنوز از خاطرم نمی‌رود که یک بار از فردی درباره موضوعی سؤال کردم. پیش از آنکه که جوابم را بدهد، به من که در دوره نوجوانی بودم و از فرط کنجکاوی و علاقه می‌پرسیدم، به صورت عتاب‌آمیزی گفت: «اول درست بایست، بعد سؤال کن!» و بعد پاسخم را داد، ولی من دیگر به جواب او گوش نمی‌دادم و دلم

